

بررسی تاثیر جو عاطفی خانواده و شیوه فرزندپروری بر موفقیت تحصیلی نوجوانان

فرهاد کیانفر^۱، فریبا باقی^۲، زینب بهراهمی^۳، فاطمه صالح زاده^۴

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی رشته روانشناسی دانشگاه پیام نور

^۳ دانشجوی رشته روانشناسی دانشگاه پیام نور

^۴ دانشجوی رشته روانشناسی دانشگاه پیام نور

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تاثیر جو عاطفی خانواده و شیوه فرزندپروری بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه اول و دوم شهر ترکالکی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه اول و دوم شهر ترکالکی که در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه ۱۰۰ دانش آموز (دختر و پسر) بودند که با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای اندازه گیری این پژوهش عبارت بودند از مقیاس روابط عاطفی اعضای خانواده "هیل برن" ۱۹۶۴، مقیاس شیوه های فرزندپروری "بامریند" ۱۹۷۲ و میانگین نمرات دانش آموزان بود. نتایج نشان داد که بین جو عاطفی اعضای خانواده و شیوه های فرزندپروری با موفقیت تحصیلی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: جو عاطفی خانواده، شیوه های فرزند پروری، موفقیت تحصیلی.

۱. مقدمه

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی بوده و از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن در فرزندان و سازگاری فرد یا جامعه آثار وسیعی دارد (پورعبدلی و همکاران، ۱۳۸۷). اگر چه فرزند از جامعه همسالان تأثیر می گیرد، ولی بیشتر تحت تأثیر خانواده است. تأثیر خانواده در کودک و نقش های مهم آن در جنبه های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، و غیره و بسیار مهم و عظیم است (قائم، ۱۳۸۰). تأثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی در سراسر زندگی باقی می ماند (نوبی نژاد، ۱۳۸۰). هر خانواده شیوه ای خاص را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش بکار می گیرد. این شیوه ها، فرزند پروری نامیده می شوند و متأثر از عوامل گوناگون مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و غیره است (هاردی و همکاران، ۱۹۹۳، به نقل از خواجه پور، ۱۳۸۵). سبک های فرزند پروری منظومه ای از نگرش در مورد فرزند، نحوه ی برقراری ارتباط با فرزند، روش نگهداری فرزند و جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین می باشد (استنبرگ، ۲۰۰۱). شیوه های تربیتی والدین بطور قابل توجهی پیامدهای مهمی را برای پیشرفت تحصیلی نوجوانان به دنبال دارد و بر اساس ترکیب پاسخدهی و توقعات والدین به چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، آسان گیرانه و بی کفایتی تقسیم می شود (هترینگتون و همکاران، ۱۹۹۵). در شیوه تربیتی مقتدرانه که مناسب ترین روش فرزند پروری است، والدین مقتدر در خواست های معقولی برای پختگی دارند (لطف آبادی، ۱۳۸۵). والدین مقتدر انعطاف پذیر و مطالبه کننده هستند. بطور پیوسته قوانین را اجرا می کنند. آنها همچنین دلیل و منطق این قوانین و محدودیتها را توضیح می دهند. نسبت به نیازها و دیدگاه های کودکانشان پذیرنده هستند و مواقعی که آن ها در حال توصیه به فرزندان شان هستند احترام فرزندان شان را نیز رعایت می کنند (زیگلن، ۱۹۹۹). والدین صمیمی پذیرا و دلسوز، نسبت به نیازهای کودکان حساس و توقع معقولی برای پختگی دارند و آن را تقویت می کنند. هنگامی که والدین و فرزند اختلاف نظر دارند، تصمیم گیری مشترک انجام می شود (نیک سیرت و همکاران، ۱۳۹۵). این روش موفق روش فرزند پروری است، که پذیرش و روابط نزدیک، روشهای کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می شود (بامریند، ۱۹۶۰؛)

والدینی که از سبک مستبدانه استفاده می کنند نیز متوقع هستند (چوا، ۲۰۰۰). این والدین قوانین را بطور انعطاف ناپذیری تحمیل می کنند. از نظر تربیتی خشن و تنبیه می کنند. ابراز محبت آنها نسبت به کودکان در سطح پایین است. آنها امیال کودکان را در نظر نمی گیرند و عقایدشان را جویا نمی شوند. کودکان دارای چنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارند و خویشتن را بدبخت می پندارند. آنها زود ناراحت می شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب پذیرند. والدین مستبد از نظر درخواست کنندگی و دستور دادن در سطح بالایی هستند و انتظار دارند دستوراتشان بدون توضیح دادن اجرا شود (زیگلن، ۱۹۹۹). در این شیوه والدین سرد و طرد کننده هستند، توقعات را با فشار و تنبیه اعمال می کنند، مزاحم فردیت کودک می شوند و برای تصمیم گیری به ندرت نقطه نظر کودک را گوش می کنند (نیک سیرت و همکاران، ۱۳۹۵).

در سبک آسان گیرانه، والدین مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند. کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می کنند (باردلی، ۲۰۱۳). به کودک اجازه می دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام دادن این کار نباشند، فرزندان این والدین سرکش و تکانشی هستند (برک، ۲۰۰۶).

در شیوه تربیتی بی کفایت نیز والدین از لحاظ پاسخدهی و توقعات در سطح پایین قرار دارند. والدین بی مسئولیت هیچ درخواستی از فرزندان خود ندارند. آنچه آنها را از والدین آسان گیر متمایز می کند این است که کمتر به کودک می رسند و بیشتر بر نیازهای خود متمرکز می شوند. والدین بی کفایت در اختیار فرزندان خود نیستند (گلدستین، ۲۰۰۰).

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سالها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را بخود جلب کرده است. خانواده نخستین جایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف را بوجود می آورد (احمدیان، ۱۳۸۴). یافته های پژوهشی که در این زمینه انجام گرفته نشان می دهد که شیوه های تربیتی والدین بطور مستقیم و غیر مستقیم در پیشرفت تحصیلی نوجوانان نقش مستقیمی دارند (ولتز، ۱۹۹۸). سبک فرزند پروری مقتدرانه با خودکارآمدی تحصیلی و انگیزش پیشرفت رابطه ی مثبت و معنادار دارد (مرادیان و همکاران، ۱۳۹۳). تحقیقات فین برگ نشان داد که روشهای فرزند پروری و

والدین با سازگاری نوجوانان ارتباط دارد (پس هترینگتون ۲۰۰۰). به همین دلیل آگاهی والدین از روشهای تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و شخصیت فرد در آینده دارد بسیار مهم است. تحقیقات نشان داده است تجارب خانوادگی تاثیر عمده ای به تکامل فرد در طول دوره ی نوجوانی و بعد از آن دارد و ارتباط خانوادگی سایر جنبه های زندگی نوجوان را مانند موفقیت تحصیلی را تحت تاثیر قرار می دهد (بایرن و همکاران ۲۰۰۲). از آنجا که فرزندان هر خانواده آینده سازان مملکت هستند، پیشرفت تحصیلی آنها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (ولترز، ۱۹۹۸). عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب در بیشتر موارد آنان را با کمبود های عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی روبه رو می سازد (شاملو، ۱۳۸۶). برخورد کودک با الگوها و سرمشق های خانوادگی در تکوین شخصیت او چنان اثر دارند که به زحمت می توان بخشی از آن را از ذهن و روان کودک زدود. او معیارهای اخلاقی والدین و جنبه های الگویی آنان را به گونه ای جذب می کند و در خود نفوذ می دهد که تقریباً می توان گفت جزء سرشت و طبیعت اوست (قائم، ۱۳۸۱، ص ۲۶۹).

دیکلمن وباف (۲۰۱۶) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که انگیزش پیشرفت دانش آموزان می تواند تحت تاثیر جو خانواده قرار گرفته و به عنوان عاملی در بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقش داشته باشد. منظور از جو عاطفی خانواده نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد یک خانواده، از نظر افراد خانواده نسبت به هم، احساس و علاقه آنها به یکدیگر است (شریعتمداری، ۱۳۷۶). اتیکسون و همکاران (۱۹۹۸) پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می دانند که بوسیله ی آزمون های استاندارد شده اندازه گیری می شود.

بتیت، بیتز و داج (۱۹۹۷) در مطالعه ای تاثیر حمایت های اولیه را روی سازگاری کودکان در مدرسه مورد بررسی قرار دادند، یافته های حاکی از آن بود که حمایت کنندگی والدین موجب سازگاری کودکان در رابطه با مشکلاتی همچون مشکلات رفتاری، مهارت های اجتماعی و عملکرد تحصیلی می گردید. (پینتریچ ۱۹۹۰) مجیدی در سال ۱۳۷۵ پژوهشی را به عنوان « بررسی رابطه برخی از ویژگی های اجتماعی، اقتصادی خانواده با موفقیت تحصیلی دانش آموزان دوره ی راهنمایی شهرستان میانه انجام داد و نتایج بدست آمده نشان داد که میزان درآمد والدین، بعد خانوار (تعداد اعضای خانواده) عواملی بودند پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می دهد (مجیدی، ۱۳۷۵). سانتراک (۱۹۸۴) نشان داد که والدین دارای سبکهای مقتدرانه به ایجاد اعتماد به نفس، احساس مسئولیت، خود مختاری و رابطه ی نزدیک و کمک کردن به پیشرفت تحصیلی در رابطه فرزندان کمکی می کنند. نیسی و همکاران (۱۳۸۵) طبق پژوهشی نشان دادند که سلامت روانی، سلامت جسمانی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان فاقد پدر و دارای حمایت اجتماعی بالا و آنان که دارای حمایت اجتماعی پایین بودند از لحاظ سلامت روانی و عملکرد تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد که به سلامت روانی افراد تاثیر می گذارد که مهمترین آنها جو عاطفی خانواده و شیوه ی اداره آن است (نیسی و همکاران ۱۳۸۰).

نایلینگ (۲۰۱۰)، در یک مطالعه طولی در مورد تاثیر عوامل مختلف خانوادگی و آموزشی بر روی نتایج تحصیلی گروه های مختلف دانش آموزی با بررسی متغیرهای جمعیت شناختی و درون داده های آموزشی آنها، به این نتیجه رسید که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با مولفه های چندگانه ی خانوادگی همانند باورها و انتظارات والدین، اعمال انضباطی و مداخلات والدین، محیط عاطفی جاکم بر خانواده و منابع در دسترس خانوادگی ارتباط دارد. هاگمن (۱۹۹۴) نیز تحقیقی در زمینه وضوح و گرمی ارتباط وادین - فرزندان و پیشرفت تحصیلی و عملکرد روان شناختی فرزندان خانواده های آفریقایی- آمریکایی انجام داد و همبستگی معناداری میان ارتباط خوب والدین با فرزندان و پیشرفت تحصیلی و شایستگی کلی آنها نشان داد.

بر اساس پژوهش های گوناگونی که در این حوزه انجام شده است، شیوه های فرزندپروری و جو عاطفی حاکم بر خانواده تاثیر بسیاری بر روی پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان داشته است. با توجه به این یافته ها، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ی بین جو عاطفی خانواده (والد-فرزند) و شیوه های فرزندپروری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه می باشد.

پرسش پژوهش: آیا جو عاطفی خانواده و شیوه های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه دارد؟

۲. روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان (دختر و پسر) مقطع دبیرستان شهر ترکالکی همراه مادران آنها در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بود. با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، نخست به روش تصادفی ساده از بین ۴ مدرسه موجود، ۲ دبیرستان انتخاب شد و از هر مدرسه نیز ۲ کلاس انتخاب شد. که شامل ۱۰۰ نفر دانش آموز (دختر و پسر) می شدند.

ابزارهای استفاده شده در پژوهش به شرح زیر بودند:

الف) پرسشنامه شیوه های فرزندپروری: این ابزار اقتباسی از نظریه اقتدار والدین است که بر اساس نظریه بامریند از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری پرداخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین مربوط می شود. این پرسشنامه توسط والدین پاسخ داده می شود. که در این پژوهش مادران دانش آموزان به آنها پاسخ دادند. آزمودنی با خواندن هر ماده نظر خود را با علامت X بر حسب مقیاس ۵ درجه ای مشخص می کنند که از صفر تا ۴ نمره گذاری می شود و با جمع نمره ها، ۳ نمره مجزا درباره آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آید. این پرسشنامه پیش از این به وسیله اسفندیاری (۱۳۷۴) به کار برده شده است. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷، و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. همچنین او درباره اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی (۰/۵۲) او دارد. به گفته پورعبدلی و همکاران (۱۳۸۷)، بوری (۱۹۹۱) این پرسشنامه را برای اندازه گیری دیدگاه اولیه اقتدار والدین بامریند در سه سطح اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری ساخت. که از راه محاسبه روایی افتراقی مقادیر زیر را به دست آورد: شیوه استبدادی مادر با آزادگذاری ($r=-0/38$) و اقتدار منطقی مادر ($r=-0/48$) رابطه منفی داشت. همچنین شیوه آزادگذاری مادر رابطه معناداری با شیوه اقتدار منطقی مادر ($r=0/07$) نداشت. ضریب پایایی آلفا به وسیله پژوهشگر نیز انجام شد که برای شیوه آزادگذاری ۰/۶۶، شیوه استبدادی ۰/۷۱، و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ به دست آمد (نیک سیرت و همکاران، ۱۳۹۵).

ب) مقیاس روابط والد - فرزند: این مقیاس را آلفرد بی هیل برن (۱۹۶۴)، به نقل از حقیقی و همکاران، (۱۳۸۱) به منظور سنجش میزان مهرورزی در تعاملات پدر و مادر - فرزندی ساختند. این مقیاس دارای ۸ خرده مقیاس شامل: محبت، نوازش، تایید کردن، تجربه های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد کردن و احساس امنیت است. کل مقیاس شامل شانزده پرسش و هر خرده مقیاس در برگیرنده دو پرسش است. پرسش های فرد به پیوند عاطفی پدر و مادر و فرزند و پرسش های زوج به پیوند عاطفی مادر و فرزند اختصاص دارند. برای هر پرسش نیز یک طیف پنجگانه پاسخدهی وجود دارد، نخستین پاسخ نشان دهنده ضعیف ترین و آخرین نشان دهنده نیرومندترین رابطه عاطفی است که از زمان گذشته تا حال بین پدر و مادر و فرزند وجود داشته است. برای ارزیابی پایایی این آزمون حقیقی و همکاران (۱۳۸۱) از روی ماده های آزمون اقدام به تهیه یک پرسشنامه ملاک کردند که به نوعی متفاوت به ارزیابی حیطه های هشتگانه این مقیاس می پرداختند، که پس از اجرای آن بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری از دانش آموزان، ضریب همبستگی بین نمره کل مقیاس روابط عاطفی اعضای خانواده، حیطه های هشتگانه آن و پرسشنامه ملاک را محاسبه که این ضریب بین نمره کل این دو آزمون ($P<0/001, r=0/64$) به دست آمد، نتایج ضریب همبستگی بین این دو آزمون نشان داد که پایایی این آزمون در حد مطلوب است و می توان به نتایج آن اعتماد

کرد. همچنین به منظور سنجش پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌ها، از میانگین نمرات نیمسال اول سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ دانش-آموزان استفاده گردید.

۳. یافته‌ها

داده‌ها در دوسطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در سطح توصیفی به گزارش میانگین، انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه و در سطح استنباطی به آزمون همبستگی پیرسون پرداخته شده است. جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
جو عاطفی	۱۸/۳۳	۴/۵۱	۱۰	۲۴
سبک فرزند پروری	۲۴/۱۸	۵/۳۸	۱۵	۳۰
موفقیت	۳۲/۱۵	۵/۴	۲۰	۳۱

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار در نمونه مورد مطالعه به ترتیب ۱۸/۳۳ و ۴/۵۱ و به ترتیب ۲۴/۱۸ و ۵/۳۸ می‌باشد.

جدول ۲: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین سبک فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سبک فرزند پروری	۰/۷۳	٪۳۵

جدول ۲ نتایج همبستگی پیرسون رابطه بین سبک فرزند پروری با موفقیت را نشان می‌دهد یافته ها حاکی است که بین دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. مقدار همبستگی برابر ۰/۷۳ محاسبه شده است و سطح معنادار برابر $P < 0.35$ می‌باشد و چون مقدار آن از ۰/۰۵ کمتر است می‌توان نسبت را معنادار دانست لذا فرضیه اول تایید می‌گردد.

جدول ۳: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین جو عاطفی با موفقیت تحصیلی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
جو عاطفی	۰/۶۸	۰/۰۴۳

جدول ۳ نتایج همبستگی پیرسون بین جو عاطفی با موفقیت تحصیلی را نشان می دهد . نتایج بیانگر رابطه معناداری بین دو متغیر می باشد . مقدار ضریب همبستگی ۰/۶۸ محاسبه شده و مقدار $P < ۰/۰۴۳$ است فرضیه دوم تایید می شود .

۴. نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه، در دبیرستان های شهر ترکالکی انجام گرفت. نتایج نشان داد که بین سبک های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد، یعنی سبک های تربیتی والدین به طور مستقیم و غیرمستقیم نقش مستقیمی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. نتایج این پژوهش با یافته های پژوهش های ولترز (۱۹۹۸)، ماتینز - پونز (۱۹۹۶)، آنولا (۲۰۰۰) و دوریزه (۱۳۸۴) هماهنگ است. در توجیه و تبیین این یافته می توان گفت سبک تربیتی توام با پذیرش و تشویق والدین که به پرورش استقلال در فرزندان آنان منجر می گردد، اعتماد به توانایی را در این فرزندان افزایش می دهد. بنابراین تمایل و انگیزه بیشتری برای تحصیل و موفق شدن در دروس مدرسه دارند.

آیزنبرگ و لوسیا (۱۹۹۷) در مطالعه خود دریافتند که پاسخگویی والدین به فرزندان و نظارت کافی والدین بر رفتارهای فرزندان خود اثرات مهمی دارد که یکی از مهمترین اثر آن ارتقای موفقیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان است.

همچنین نتایج نشان داد جو عاطفی خانواده با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. این یافته ها با نتایج پژوهش های دینکلن و باف (۲۰۱۶)، پریشانی و عبدی زین (۱۳۹۳)، نوری (۱۳۹۵) و نعیمی و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که همچنان که دانش آموز از سنین کودکی در خانواده زندگی کرده و رفتارها و نقش های مربوط به خود با اعضای خانواده و همچنین مدرسه را شکل دهد، جو عاطفی مثبت خانوادگی در ایجاد دیدگاه مثبت به مسائل مختلف تاثیر گذار بوده و قابلیت کنترل فرد را تقویت می نماید که این مهم در نوع و میزان تلاش در راستای دسترسی به اهداف و کسب انگیزه لازم در این راستا تاثیر گذار خواهد بود.

جو مناسب و مطلوب باعث خواهد شد که افراد نسبت به رفتار و تصمیمات خود متعهد و پاسخگو بوده و همچنین در راستای بهبود مداوم عملکرد خود کوشا باشند که این مهم رفته رفته باعث بهبود عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان خواهد شد (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

بنابراین والدین باید به نیازهای عاطفی فرزندان خود در حد معقول رسیدگی کنند و با آگاهی از اصول تعلیم و تربیت و چگونگی رشد شخصیت و ویژگی های فرزندان در هر مرحله رشد و دوره زندگیشان، با فرزندان خود رفتار کنند، بدین ترتیب باعث پیشرفت تحصیلی فرزندان خود خواهند بود. روشن است که شرط اصلی و لازم برای انگیزه و اشتیاق به یادگیری و پیشرفت تحصیلی فرزندان، تامین نیازهای اساسی آنها در محیط خانواده، به خصوص از جانب والدین می باشد. برآورده نشدن نیازهای اولیه فرزندان همچون نیازهای فیزیولوژیک و نیازهای روانی نیز مانند نیاز به امنیت، محبت و احترام باعث می گردد تا دانش آموزان به جای حل مسئله و پرداختن به تکالیف درسی خود، بیشتر نگران نیازهای زیستی و عاطفی خود باشند. بنابراین می توان این چنین نتیجه گیری کرد که بسیاری از مشکلات تعلیم و تربیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان در فضای عاطفی حاکم

بر خانواده ریشه دارد و حل این مشکلات از طریق کمک به رشد و آگاهی والدین انجام می گیرد. بنابراین پیشنهاد می شود که والدین از طریق رسانه های عمومی، مدارس، دانشگاه ها و مراکز مشاوره آموزش ببینند تا بتواند شرایط عاطفی مناسب و مساعدی را برای فرزندان خود فراهم آورند و تلاش کنند با برطرف کردن نیازهای اولیه فرزندان خود، امنیت عاطفی، استقلال و پیشرفت تحصیلی فرزندان را افزایش دهند.

۵. منابع

۱. Choa KR (2000). The Parenting of immigrant chinese and European American Mothers: Relations between Parenting Styles, Socialization Goals, and Parental Practices. *Journal of Applied Developmental Psychology*.; 21(2): 233-248.
۲. Nailing, Xia. (2010). Family factors and student outcomes. *Rand Corporation, Ph.D. ERIC Document* *Reproduction* *Service*, *Retrieved* <http://www.eric.ed.gov/ERICPortal/recordDetail?accno=EJ302109>.
۳. Hagman, Julie. (1994). Parent-child communication clarity, children's academic achievement, and psychology functioning: A study of inner city African-American families, California school of professional psychology. *Berkeley Alameda degree:Phd*.
۴. Aunola K, Statain H, Nurmi JE. (2000) .Parenting style and adolescent achievement strategies. *Journal of Adolescence*.; 23: 205-222.
۵. Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychology Monographs*, 75, 43-88.
۶. Byrne BA, Haddock CK, Poston SC.(2002). Mid American Heart Institute. Parenting style and adolescent smoking. *Journal of Adolescence. Health*.: 6(30): 418-425.
۷. Eisenberg, N., & Losoya, S. (1997). Emotional responding: Regulation, social correlates & socialization. In P. Salovey & D. J. Stuyterd (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence* (pp. 129-162). New York: Basic books.
۸. Goldstein M. Heaven P. (2000). Perception of the family, delinquency and emotional adjustment among youth. *Journal of Personality and Individual Differences*.; 20: 1169-1178.
۹. Wolters, C. (1998). Self regulated learning and college, students regulation of motivation. *Journal of Educational Psychology*, 2, 224-235.

۱۰- محمد علی عبدلی، پروین کدیور، علیرضا همایونی، دانش و پژوهش در روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

خوراسگان (اصفهان) شماره سی و هفتم- پاییز ۱۳۸۷ حص ۱۰۷-۱۲۸

۱۱- نیسی، عبدالکازم؛ نجاریان، بهمن، پورفرجی، فرج (۱۳۸۰) مقایسه عملکرد تحصیلی، سلامت روانی و جسمانی دانش آموزان پسر دبیرستانی با توجه به نقش حمایت اجتماعی مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اهواز شماره ۳ و ۴ ص ۸۶-۶۷

هترینگتون م، پارک ر. (۱۳۷۳). روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر،

آرغوانی، آ امین یزدی، جلد اول، مشهد: آستان قدس رضوی

- ۱۲- نوایی نژاد، شکوه، (۱۳۸۰) سه گفتار درباره اهمیت و تربیت فرزندان تهران: انتشارات کلینی
- ۱۳- قائمی، محلی، (۱۳۸۰). خانواده و مسائل مدرسه ای کودکان. تهران: نشر آگاه
- دوریزه، زهره (۱۳۸۴)، بررسی رفتار همدلانه دختران دبیرستان با مادرانشان و رابطه آن با مهارت های فراشناختی و پیشرفت تحصیلی در شهر تهران. فصلنامه مطالعات زنان . ۸، ص ۸۲-۶۸.
- ۱۴- شاملو- سعید (۱۳۸۶). بهداشت روانی، انتشارات رشد، چاپ نوزدهم. ص ۹۴.
- ۱۵- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). روانشناسی رشد. انتشارات سمت، چاپ هشتم، جلد دوم، ص ۱۶۰
- شریعتمداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۶
- ۱۶- مجیدی، ب، (۱۳۷۶). بررسی عامل موثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۲۵، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶، ص ۵۳-۵۸
- ۱۷- شریعتمداری علی، روانشناسی تربیتی، تهران، چاپخانه سپهر ۱۳۶۶، خواجه پور، مهناز (۱۳۸۵). مقایسه شیوه های فرزندپروری با سبک هویت و بررسی رابطه آن ها در دانش آموزان دختر و پسر پیش دانشگاهی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز پایان نامه دانشگاه آزاد، واحد مرودشت.
- ۱- سانتراک ج، (۱۳۸۸) زمینه روانشناسی، ترجمه م. فیروز بخت (جلد اول) تهران: زیبا.
- ۱۸- Byron e BA . Haddock ck. Post. KSC. (2002) M. d American Heart ins ti tu te. Parenting style and adolescent smoking . J. ural of A d. lesence . Helth: 6 (3) 418-425
- Eisenberg . N & Los oya so cializ ation In. P . salov B y& D. J . stugterd (E d s) , Enotional develo Pment and emotional in teugence (PP. 129-162) new York: basic books.
- Goldstein . M. Heaven P. (zoo) perception of the family, delin quency and emotional a d Justment amony yonth . Journal of persouality and Individual Dffernces; 20: 1(69-1178).
- ۱۹- choo K R . (2000) the patenting of immigrant Ehinese and socialization Goals, and perenting styles socialization E. als and parental practices. Journal of A pplied Develop mental Psychology ; 9-1(2): 233-248.
- ۲۰- Atiknson. J. W. (1980). Motivational effects in so- called tests of ability and educational achievement in l. J.F yons . Jr(E d) Achieveme motivation New York : Plenumpre
- ۲۱- Wolteves. C. (1998). Self regulated learning and college , students regulation of motivation Journal of E d ncational P sychology, z. 22. 4-235
- ۲۲- Aunolak, statin H nu Nmi JE (2000). Perenting style and adolescent achievement strategies Journal of Adoles cence; 23:205-222
- ۲۳- Banmrinad , D (1967) child care practices anteceding three patterns of preschool behave or Genetic Psychology monographs, 15,43-88
- ۲۴- Noori`A (2015) factors of family cohesiveness . Journal of family and women studies . 1) 1(145-178).
- ۲۴- یعقوب فروتن، الهه سادات ایزی، سمیه نعیمی، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، پاییز ۹۵، شماره ۶۲
- Ali bakshi, F. (2012)- the relation ship between emotional in telligenec with motivate al in telligenec with motivate onal be life sand. Soif vegnlation strategies .
- 25-Journal of Behaviaural. Sciences, 10 (3), 179-192,.
- Martine Z- fons. M.C. (1996)-Test of a Model of earental in duceoneht of academic self regulation . the journal of Exfefimen tal Education, 84(3), 213-227.
- ۲۶- پریشانی - نیره- عبدی زرین، سهراب
- مجله: علوم رفتاری (ابهـر) « بهار ۱۳۹۳
- شماره ۱۹ (۶۲ صفحه از ۳۳ تا ۵۴)

- ۲۷-احمدیان ف (۱۳۸۴)- رابطه ی شیوه های فرزند پروری با خودکار آمدی و سرآمد دانش آموزان، و پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، تبریز ۷۶-۵۰
- ۲۸-اسفندیاری، غلام رضا (۱۳۷۴)- بررسی شیوه های فرزند پروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان مبتلا به رفتاری کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان- پایان نامه کارشناسی ارشد- افستیتوت روانپزشکی تهران.

29-Din kel mann , 10, & Buff , A (2016).

Children`s and Parent`s perce ftions of faiental support and their effeots on children`s a chierement motivation and a chievement in mathe matics.

A longi tudinal predictive mediation. Model – Learning and Individual differen ces, 50 (1), 122-132.

30-Fintrich, L.R, & De 6 root,

E.V. (1990). Motivation. And self – vegulated Learning. Journal of Educational . PSY cholog go V cl, 82 P. 33-40

31-Hil burn, J. M. (1964). Efect. Of adolescence on the sorum growth hormone gespoeto. hg Pogl cemia. J pediat. 77 (3) 965.467.

32-Hardy DF , powaar TG & Jae dikes. 1993, Examining the relation of faienting . to children`s cofing with . every day stress child Development. , 64: 18-48.

Buri, j. R. (1991). Parental. Authority ouestionnair. Journal of fer sonlitg a. ssment 57, 110-119.

33-Sigel manc. Life – sfan Hu man.

Development , u SA ; Brooks Lcole 1999.

۳۴-تحقیقی، حمال. حسین شرگن، مژگان موسوی شوشتری (۱۳۸۱): موری رابطه ی جود عاطفی خانواده با سازگاری دانش آموزان دختر پایه ی سوم مدارس راهنمایی اهواز جمله ی علوم تربیتی روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز دوره ی سوم سال نهم، شماره های ۱ و ۲ صفحه ی ۷۱ تا ۱۰۸ .

۳۵-ادامه ی شیوه های فرزندپروری والدین با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر (فرشته نیک سیرت). ملوک خادمی اشگذری- زهرا هاشمی مجله اندیشه های تربیتی- دانشگاه الزهرا- دوره ی ۱۳ - شماره ۴ ص ۱۵۱ تا ص ۱۷۴

۳۶-برک، لورا (۱۳۹۰). روانشناسی رشد از لقاح تا کودکی جلد ۱، ترجمه یحیی سید محمدی تهران. از سباران

۳۷-مرادیان، جلال علی پور. سیروس وشفی بلاق. منیژه (۱۳۹۳) رابطه ی علی بین سبکهای فرزند پروری و عملکرد تحصیلی با واسطه ای خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه ی پیشرفت در دانشجویان روانشناسی خانواده (۱). صفحات ۷۴-۶۳